

جلسه دوم از سلسله  
جلسات چه شد که ما شیعه شدیم؟

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ  
بِالْعِبَادِ [1].»

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي  
\* وَ اخْلُصْ لِي لِسَانِي \* يَفْقَهُوا  
قَوْلِي [2].»

«اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِأَلْسِنَتِي وَ أَلْهَمْنِي  
التَّقْوَى [3].»

### مقدمه

عرض کردیم که ما شیعیان علامت و  
نشانه و آرم داریم. علامت ما چند چیز  
است، یکی از آنها این است که شیعیان  
جنگ را شروع نمی‌کنند. نتیجه‌ی اینکه  
جنگ را شروع نمی‌کنند «مهربانی»  
است،

## چرا شیعیان مهربان هستند؟

شیعیان مهربان هستند. منتها اینطور نیست که شما بگویید آیا بقیه‌ی انسان‌های مهربان دنیا هم شیعه هستند؟

مهربانی بصورت کلی چیز خوبی است، اینکه ما نسبت به انسان‌ها مهربان باشیم چیز خیلی خوبی است، اما اینطور نیست که شیعیان فقط مهربان هستند، یعنی این نیست که اگر کسی فقط لبخند به لب داشت شیعه است، شیعیان مهربان هستند چون دیگران را به عشق امیرالمؤمنین صلوات الله علیه دوست دارند و با آن‌ها مهربان هستند.

اگر من شما را دوست دارم فقط برای این نیست که انسان هستند، چون شما انسان هستید من شما را دوست دارم ولی چون شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

هستید علاوه بر دوست داشتن، به قربان  
شما هم می‌روم، چون شیعیه  
امیر المؤمنین صلوات الله علیه هستید باید  
با شما بیش از یک انسان عادی مهربان  
باشم.

اگر کسی با چیزی یا کسی به عشق  
امیر المؤمنین صلوات الله علیه مهربان  
باشد، آنوقت ائمه علیهم السلام او را  
تحویل می‌گیرند.

### با نیت مهربان باشیم

روزی امام حسین علیه السلام با دوستان  
خود در حال رفتن به باغ خودشان در  
مدینه بودند، امام حسین علیه السلام از  
دور دیدند که یکی از برده‌های حضرت  
کنار سگی نشسته است و در حال غذا  
خوردن با یکدیگر هستند، امام حسین علیه

السلام بلافاصله پشت یک نخل ایستادند و تماشا کردند. دیدند این برده تکه نانی را نصف کرد و نیمی از آن را جلوی این سگ گذاشت و نیم دیگر را خودش خورد. وقتی این برده نان را خورد و تمام شد گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، [4] «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» خدایا مرا بیامرز... البته مغفرت فقط برای آمرزیدن از گناه نیست، مغفرت دعای بسیار وسیعی است... در ادامه گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِسَيِّدِي وَ لِأَبَوَيْهِ» خدایا! مولای من و پدر و مادرش را هم مورد مغفرت خودت قرار بده، «و بَارِكْ لَهُ» من سر سفره‌ی او غذا خوردم، به صاحب و مولای من برکت بده، «كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ أَبِيهِ» همانطور که به پدر و مادر او برکت دادی.

برکت یعنی خانهای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها که کوچک بود ولی هر

کسی در این خانه به دنیا آمد، دنیا را تکان داد. امام حسین علیه السلام بود، کریم عالم یعنی امام حسن مجتبی صلوات الله علیه بود، حضرت زینب کبری سلام الله علیها بود. برکت لزوماً پول زیاد نیست، اثر بالایی است که خدای متعال آن را رشد بدهد. خانهای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها خیلی پُر برکت بود، آن برده این موضوع را فهمیده بود.

آن برده گفت: خدایا! این نانی که من خوردم، مولای من امام حسین علیه السلام به من داده است، «بَارِكْ لَهُ» به او برکت بده، «كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ أَبِيهِ» همانطور که به پدر و مادر او خیلی برکت دادی.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها کلاً نُه سال با امیرالمؤمنین صلوات الله علیه زندگی کرد، در آن خانه چند بچه داشتند، هریک از آنها عالم را تکان داد!

اصلاً اهل بیت سلام الله عليهم أجمعين  
 همینکه یک انسان باکمال ببینند،  
 می‌خواهند او را کمک کنند و بالا ببرند،  
 برای همین حضرت سیدالشهداء صلوات  
 الله علیه پشت نخل پنهان شدند. بعد دید  
 این غلام هم غذا را با سگ خورد، هم بعد  
 از غذا خوردن دعا کرد، بعد حق شناسی  
 کرد.

وقتی ما هم سر سفره غذا می‌خوریم  
 می‌توانیم بگوییم «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَوْلَانَا  
 صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَبَارِكْ لَهُ كَمَا  
 بَارَكْتَ عَلَى أَبِيهِ»، چون ما هم سر  
 سفره‌ی امام زمان ارواحنا فداه غذا  
 می‌خوریم. ما در دعاها به حضرت  
 عرض می‌کنیم «بِيَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى»،  
 یعنی همه به برکت او روزی می‌خورند،  
 ما سر سفره‌ی امام زمان ارواحنا فداه  
 هستیم اما فراموش می‌کنیم. آن برده خیلی

باکلاس بوده است، معلوم است که خیلی خوب فهمیده است. چون آن برده که امام حسین علیه السلام را ندیده بود که بخواهد خودش را نشان بدهد.

حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه جلو آمدند و فرمودند: صافی! (نام برده بود)

همینکه این برده امام حسین علیه السلام را دید به خود لرزید، از چه چیزی به خودش لرزید؟

من اینجا که باشما صحبت می‌کنم، مثلاً فرض کنید حاج آقا نیک‌بین نشسته است و من ایشان را ندیده‌ام، مثلاً بیست دقیقه نشسته‌اند و من ایشان را ندیده‌ام، بعد ناگهان برمی‌گردم و ایشان را می‌بینم، حتماً عرض می‌کنم ببخشید! من ندیدم شما آمدید!

اگر بزرگی به جایی بیاید و انسان او را  
نبیند و او را در نظر نگیرد و ناگهان ببیند  
او آمده است، می‌گوید: ببخشید، متوجه  
نشدم تشریف آوردید.

همینکه حضرت سیدالشهداء صلوات الله  
علیه صافی را صدا زد، نوشته است  
«فَقَامَ الْغُلَامُ فِرْعَاءً» به خود لرزید، مانند  
اینکه ما بگوییم ببخشید من متوجه نشدم  
شما تشریف آوردید.

امام حسین علیه السلام فرمودند: چکار  
می‌کردی؟ عرض کرد: در حال غذا  
خوردن بودم. حضرت فرمودند: چرا به  
این سگ غذا دادی؟

توجه کنید که مهربانی تنها بد نیست، ولی  
آن مهربانی که مدّ نظر ماست، به‌مراه نیت  
است، یعنی می‌دانی چرا مهربان هستی،  
در آن یک ربط دارد که عرض می‌کنم.



حضرت فرمودند: چرا به این سگ غذا دادی؟ عرض کرد: وقتی من در حال غذا خوردن بودم، این سگ به من نگاه می‌کرد، من هم حیا کردم. «هَذَا كَأْبُكَ يَخْرُسُ بُسْتَانِكَ» این سگِ باغِ شماست و از باغ شما نگهداری می‌کند، «أَنَا عَبْدُكَ وَ هَذَا كَأْبُكَ» من بنده‌ی شما هستم و این هم سگِ شماست، چون دیدم سگِ باغِ شماست، نتوانستم ببینم گرسنه باشد.

یعنی نیت این است که من دوست دارم سگِ باغِ امام حسین علیه السلام هم سیر باشد!

یعنی ما می‌گوییم این همسایه‌ی ما احترام دارد، این همسایه‌ی دیگرمان بغیر از اینکه احترام دارد، شیعه‌ی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هم هست. این همکلاسی من دوست من است، هر آدمی احترام دارد، اما این یک نفر محبِ امام حسین

عليه السلام هم هست. اگر کسی بخاطر  
این مهربانی کند، اهل بیت سلام الله عليهم  
أجمعين او را تحویل می‌گیرند.

آن غلام عرض کرد: آقا جان! من بنده‌ی  
شما هستم و این هم سگِ شماست.

حضرت سیدالشهداء صلوات الله عليه  
فرمودند: صافی! ببخشید که من بدون  
اجازه واردِ باغِ تو شدم.

صافی عرض کرد: آقا جان! این بزرگی  
شماست که اینطور می‌فرمایید، من بنده‌ی  
شما هستم و این باغ هم برای شماست.

امام حسین علیه السلام فرمودند: دو هزار  
سکه طلا هم به تو می‌دهم.

ائمه عليهم السلام برای ادب و محبت  
ارزش قائل هستند.

صافی عرض کرد: این بزرگواری و  
آقایی شماست!

امام حسین علیه السلام فرمودند: اگر  
می‌شود این دوستانم که آمدند، بخاطر من  
امروز تحویلشان بگیر، امروز میهمانِ باغِ  
تو شده‌اند.

صافی عرض کرد: من شرمنده هستم!  
اینجا باغ شماست!

امام حسین علیه السلام فرمودند: من گفتم  
که به باغ تو آمده‌ایم، من باغ را به تو  
بخشیده‌ام.

همینکه حضرت سیدالشهداء صلوات الله  
علیه به او فرمودند که من دو هزار سکه  
به تو می‌دهم و باغ را هم به تو بخشیدم،  
در ادامه فرمودند: تو را هم در راه خدا  
آزاد کردم!

صافی عرض کرد: اگر انتخاب با من است، من دوست دارم نوکر همینجا بمانم، اگر مرا آزاد کردید هم به اینجا می‌آیم و باغبانی شما را می‌کنم.

امام حسین علیه السلام فرمودند: باغ را هم به خودت بخشیدم.

صافی عرض کرد: اگر باغ هم به من بخشیده‌اید، من باغ را هم در راه محبّان شما وقف می‌کنم!

وقتی محبّت علامت شیعه است که در آن کار بخاطر امام حسین علیه السلام، بخاطر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه باشد. این محبّت علامت شیعه است. هرچه در جامعه‌ی ما این محبّت کم باشد یعنی ظاهر داریم ولی باطن نداریم. خیلی از این مثال‌ها زیاد است.

## «امانتداری» یکی از نشانه‌های شیعیان

یکی دیگر از علامت‌های شیعه که خیلی جاها ذکر شده است، محبّت است، آن هم با نیّت. نمی‌خواهد نیّت را به زبان بیاوری، در بین دوستانت به آن دوستی که بیشتر محبّت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دارد بیشتر محبّت کنی، نیاز نیست انسان مدام تبلیغ کند و بگوید من این کار را می‌کنم.

دومین علامت شیعه که خیلی خیلی مهم است «امانتداری» است، ما روایات خیلی زیادی در این زمینه داریم. اصلاً امام صادق علیه الصلاة والسلام فرمودند من دوست دارم وقتی مردم شما را می‌بینند بگویند چرا این شخص اینقدر امین و راستگو است، بگویند چون شیعه‌ی امام صادق علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند من دوست دارم هر کجا که شیعیان را دیدند بگویند این چقدر راستگو و امانتدار است، بگویند «هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»، [5] چون این شخص شیعه‌ی امام صادق علیه السلام است.

امانتداری هم علامت تشیع است و هم اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین دوست داشتند مردم بگویند شیعیان راستگو و امانتدار هستند.

امانت مختلف است، برای مسئولان مسئولیت امانت است، برای معلم معلمی است که امانت است، برای کاشانی زمانی که شما در اینجا گذاشته‌اید امانت است، برای شما که به مدرسه می‌روید وقت و عمر خودتان و پول پدرتان امانت است، باید همه‌ی آن‌ها را در مسیری خرج کرد

که به اهل بیت سلام الله علیهم أجمعین  
ربط پیدا کند.

در زندگی ائمه ما علیهم السلام نسبت به  
بدترین آدم‌ها امانت‌دار بودند، چه برسد به  
آدم‌های خوب.

امام سجّاد علیه السلام جمله‌ی بسیار مهمّی  
در مورد امانت‌داری فرموده‌اند، فرموده‌اند  
اگر شمشیری که با آن پدرم را کشته‌اند به  
من امانت بدهند، من امانت را  
برمی‌گردانم.

اینقدر امانت مهم است!

یکی از کارهایی که شیطان می‌کند این  
است که ممکن است عده‌ای بد عمل کنند،  
بعد بگویند ببینید فلانی بد عمل کرد، پس  
ما هم هر کاری انجام بدهیم انجام داده‌ایم.  
اشتباه دیگران مجوزی برای اشتباه ما  
نیست.

## حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در روز قیامت

یکی دیگر از کسانی که در امانتداری بی‌نظیر است، اصلاً آنقدر خوب بوده است که بقیه را به زحمت انداخته است، آن کسی است که امشب به نام اوست.

زمانی شما کاری را به کسی می‌سپارید... زمانی پدرم کاری را به من می‌سپارد و من انجام نمی‌دهم، دیگر روی من حساب نمی‌کند و خودش کار خودش را انجام می‌دهد. اما زمانی کسی هست که هنوز کار را به او نگفته‌اید انجام می‌دهد، وقتی به او مسئولیت می‌دهید به بهترین شکل انجام می‌دهد. کسی که اینطور کار می‌کند، بعد از مدتی همه روی او حساب می‌کنند.



کسی که وظایف خودش را دائماً سریع و خوب انجام می‌دهد، باعث می‌شود که آدم‌ها روی او حساب کنند. در اینصورت اگر بعد از چند سال نتواند کاری را انجام بدهد، همه خیلی اذیت می‌شوند.

حضرت ابوالفضل العباس علیه الصلاة و السلام طوری وظایف خود را انجام می‌دادند که فرزندان امام حسین علیه السلام خیلی به ایشان اطمینان داشتند، برای همین وقتی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام رفتند که آب بیاورند، این اطفال اصلاً فکر نمی‌کردند که برنگردد؛ چون سابقه نداشت که کاری را به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام محوّل کنند و ایشان انجام ندهند.

حال شما ادب را در کنار این وظیفه‌شناسی ببینید. آیا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نعوذ بالله کم‌کاری کرده

بودند؟ نه! ولی گزارش داریم که از اینکه نتوانستند آب بیاورند شرم کردند.

گاهی ما اینطور هستیم که وقتی می پرسند چرا درس نخوانده‌ای؟ می‌گوییم که معلم بلد نیست! در صورتی که در همان کلاس نمره‌ی 20 هم داریم!

یعنی نقص خودم را به گردن همه می‌اندازم که خودم بعهده نگیرم.

حضرت اباالفضل العباس علیه السلام کم‌کاری نکرده بودند، ولی وقتی در مرتبه‌ی آخر نتوانستند آب بیاورند خجالت کشیدند.

ما انسان‌ها در روز قیامت بخاطر کارهایی که می‌توانستیم در این دنیا انجام بدهیم و انجام ندادیم حسرت می‌خوریم، قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ

لَا يُؤْمِنُونَ»، [6] رسول من! به مردم بگو  
که روز حسرت فرا می‌رسد، دیگر کار  
تمام شده است.

روز قیامت همه حسرت می‌خورند، بجز  
آن کسانی که همه‌ی وظایف خود را در  
این دنیا به بهترین شکل انجام داده‌اند. با  
انبیاء گذشته علیهم السلام کار ندارم، از  
بین مسلمین بغیر از چهارده معصوم یک  
نفر هست که روز قیامت حسرت  
نمی‌خورد، چون همه‌ی وظایف خود را  
طوری که معصوم تأیید کند انجام داده  
است، او حضرت ابوالفضل العباس علیه  
السلام است.

علّت آن هم در زیارت حضرت ابوالفضل  
العباس علیه السلام که در مفاتیح الجنان از  
حضرت صادق صلوات الله علیه نقل شده  
است.

## دعای «صَنَمَى قُرَيْشٍ»

قنوتی که امشب پیش نماز محترم مسجد در نماز خواندند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْعَن صَنَمَى قُرَيْشٍ وَ جَبْتِيهَا وَ طَاغُوتِيهَا» بود، این دعای «صَنَمَى قُرَيْشٍ» است.

کسی که غیر شیعه بود به پدر مرحوم علامه میرحامد حسین رحمة الله تعالی علیه می‌گوید که این دعای «صَنَمَى قُرَيْشٍ» سند ندارد، ایشان می‌فرمایند که این دعا خیلی مجرب است، تو هم سند را برای این می‌خواهی که ببینی آیا اثر دارد یا نه، هر وقت گرفتار شدی این دعا را بخوان، اگر اثر نکرد بگو سند ندارد! این دعا مجرب است.

منتها این دعا برای همین جمع‌های خودمانی است.

## برخی فضائل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

آقای ترابی (یکی از حضار) متنی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حفظ کرده‌اند، بنده برخی از روایات برخی از این فضیلت‌ها را به خدمت شما عرض می‌کنم.

هر یک از عباراتی که ایشان می‌خوانند، برای ما عبادت است. بعضی‌ها عرضه دارند و عبادت‌های مفصل دارند، ما همینجا نشسته‌ایم، ایشان هر کلمه‌ای که می‌گویند یک فضیلت است و ما هم برای شنیدن این فضائل در حال عبادت هستیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
جَعَلَنَا مِنَ الْمَتَمَسِّكِينَ بِهِ وَلَا يَتِ سُلْطَانُ  
أَوْلِيَاءِ، سَخَنَ كَذَارٍ مِنْبِرٍ سَأَلُونِي، سُرُورِ  
مُطَلِّبِي، ابْنِ عَمِّ نَبِيِّ، ذُرِّ هَلْ أَتَى، مِهْرِ  
بُرجِ إِيْمَاءِ، شَهْ سَوَارِ لَا فَتَى، پِيشَوَايِ انْبِيَاءِ،  
عُروَةُ الوُثْقَى، كَلِمَةُ الحُسْنَى، سَيِّدِ  
الأَوْصِيَاءِ، سُرُورِ اربَابِ وِفَاءِ، قَبْلِهِ اصْحَابِ  
دَعَا، شَرَحِ اَوْلِيَاءِ، عَمَادِ الاَصْوِيَاءِ، آيَةِ اللَّهِ  
العَظْمَى...

روایت «آیت الله العظمی» این است که  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند:  
«مَا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي» [7]  
بخدا قسم که خدا آیت و نشانه‌ای بزرگتر  
از من ندارد.

قدسی شجر، نیکو ثمر، والا گوهر...

«قدسی شجر» هم از این روایت گرفته  
شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلم فرمودند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارِ شَتَّى» [8] ما از یک درخت هستیم و مابقی مردم از درخت‌های دیگر هستند.

نیکو ثمر، والاگوهر، فرخنده فر، بهجت اثر، صاحب نظر، صاحب تیغ دو سر، شمس الضحی، بدرالدجی، نور هدی، میر خدا، شیر خدا، هم انتها، هم مقتدا، هم رهنما، راز بقا، سر شفاء، هم منتخب، هم منتصب، هم منتجب، محبوب رب، دور از طرب، کشف اعمال، فوق بیان، روح و روان، سر نهان، نور عیان، میران نشین، گردون مقام، دوم فروغ، اول امام، باب مراد، دست خطاب، روح کتاب، عشق مجسم، آیت محکم، منجی عالم، همدم موسی، یاور عیسی، یوسف و یحیی، خضر سلیمان، ساقی کوثر، اب الأئمه،

ولی داور، آیت عظمی، والی والا، عالی  
اعلاء، عالم اسماء، شوهر زهرا، بقاء بسم  
الله، آقا و مولا، فخر زمانها، بدر  
مکانها، مادر کعبه، کوثر و یاسین،  
یوسف و طاهها، آیهی تطهیر، حافظ قرآن،  
ناطق قرآن، ناشر قرآن، حقیقت دین، آقا و  
سرور، هادی و رهبر، مناء و مشعر،  
ظهور و قیام، ثواب و عقاب، عابد و  
معبود، شاهد و مشهود.

«ثواب و عقاب» یعنی اینک  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه...

کلاً این موضوع را بدانید که موجوداتی  
که خیر هستند، برای مؤمنان خیر هستند،  
قرآن کریم که برای مؤمنان شفاء و برکت  
است، برای کفار بدبختی است، «و لا  
یَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» [9].»



در زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه  
داریم که «السَّلَامُ عَلَي نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَي  
الْأَبْرَارِ وَ نِقْمَتِهِ عَلَي الْفُجَّارِ»، [10]  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برای  
خوبان نعمت و ثواب است، برای عمار،  
برای مقداد، ان شاء الله برای شما،  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه عذاب خدا  
برای دشمنان خداست، امیرالمؤمنین  
صلوات الله علیه برای معاویة ملعون  
عذاب است، چون بخاطر امیرالمؤمنین  
صلوات الله علیه به جهنم می‌رود.  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هم ثواب  
است و هم عقاب است.

ان شاء الله همه‌ی کارنامه‌ی ما در روز  
قیامت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه  
باشد، ان شاء الله امیرالمؤمنین صلوات الله  
علیه همه‌ی ما را حفظ کند و سفارش ما  
را به پسر خودشان حضرت حجّت سلام

الله علیه کند و ما جزو سربازان حضرت  
حجّت ارواحنا فداه باشیم و ان شاء الله  
کشور ما را از این تلاطم‌ها به ساحل  
آرامش برساند، صلواتی مرحمت فرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ  
فَرَجَهُمْ.

-[1]سوره ی غافر، آیه 44.

-[2]سوره ی طه، آیات 25 تا 28.

-[3]الصّحيفة السّجّادیّة، ص 98.

[4]مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ،

جلد ۷ ، صفحه ۱۹۲ (السَّيِّدُ وَلِيُّ اللَّهِ

الرَّضَوِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَحْرَيْنِ فِي مَنَاقِبِ

السَّيِّدِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: كَانَ

أَحْسَنَ عَالِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدًا زَاهِدًا وَرِعًا

صَالِحًا نَاصِحًا حَسَنَ الْخُلُقِ فَذَهَبَ ذَاتَ يَوْمٍ

مَعَ أَصْحَابِهِ إِلَى بُسْتَانٍ لَهُ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ  
الْبُسْتَانِ غُلَامٌ يُقَالُ لَهُ صَافِي فَلَمَّا قَرُبَ مِنْ  
الْبُسْتَانِ رَأَى الْغُلَامَ يَرْفَعُ الرَّغِيفَ فَيَرْمِي  
بِنِصْفِهِ إِلَى الْكَلْبِ وَ يَأْكُلُ نِصْفَهُ فَتَعَجَّبَ  
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ فِعْلِ الْغُلَامِ فَلَمَّا  
فَرَغَ مِنَ الْأَكْلِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِسَيِّدِي وَ بَارِكْ لَهُ كَمَا  
بَارَكْتَ عَلَى أَبِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَقَامَ  
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَادَى يَا صَافِي فَقَامَ  
الْغُلَامُ فَرِعَاً وَ قَالَ يَا سَيِّدِي وَ سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنِّي مَا رَأَيْتُكَ فَاغْفُ عَنِّي  
فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اجْعَلْنِي فِي حِلِّ يَا  
صَافِي دَخَلْتُ بُسْتَانَكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ فَقَالَ  
صَافِي بِفَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ وَ سُؤْدُوكَ تَقُولُ  
هَذَا فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي رَأَيْتُكَ  
تَرْمِي بِنِصْفِ الرَّغِيفِ إِلَى الْكَلْبِ وَ تَأْكُلُ  
نِصْفَهُ فَمَا مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ الْغُلَامُ يَا سَيِّدِي  
إِنَّ الْكَلْبَ يَنْظُرُ إِلَيَّ حِينَ أَكُلُ فَإِنِّي أَسْتَحْيِي

مِنْهُ لِنَظَرِهِ إِلَيَّ وَ هَذَا كَأُبُكَ يَحْرُسُ بُسْتَانَكَ  
 مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ هَذَا كَأُبُكَ نَأْكُلُ  
 مِنْ رِزْقِكَ مَعًا فَبِكَيِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ  
 قَالَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَأَنْتَ عَتِيقٌ لِلَّهِ وَ وَهَبَ لَهُ  
 أَلْفَ دِينَارٍ فَقَالَ الْغُلَامُ إِنْ أَعْتَقْتَنِي فَأَيُّ أَرِيدُ  
 الْقِيَامَ بِبُسْتَانَكَ فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ  
 الْكَرِيمَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ يَنْبَغِي أَنْ يُصَدِّقَهُ  
 بِالْفِعْلِ الْبُسْتَانُ أَيْضًا وَ هَبْتُهُ لَكَ وَ إِنِّي لَمَّا  
 دَخَلْتُ الْبُسْتَانَ قُلْتُ اجْعَلْنِي فِي حِلِّ فَأَيُّ قَدْ  
 دَخَلْتُ بُسْتَانَكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ كُنْتُ قَدْ وَهَبْتُ  
 الْبُسْتَانَ بِمَا فِيهِ غَيْرَ أَنْ هُوَ لَاءِ أَصْحَابِي  
 لِأَكْلِهِمُ الثَّمَارَ وَ الرُّطْبَ فَاجْعَلْهُمْ أَضْيَافَكَ وَ  
 أَكْرَمَهُمْ لِأَجْلِي أَكْرَمَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ  
 بَارَكَ لَكَ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ وَ رَأْيِكَ فَقَالَ  
 الْغُلَامُ إِنْ وَهَبْتَ لِي بُسْتَانَكَ فَأَيُّ قَدْ سَبَّأْتُهُ  
 لِأَصْحَابِكَ .

[5] الكافي ، جلد ۲ ، صفحه ۶۳۶ (أبو

عليّ الأشعريّ عن محمد بن عبد الجبار و

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ  
جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أُسَامَةَ  
زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ: إِقْرَأْ عَلَيَّ مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي  
مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ وَ أُوصِيكُمْ  
بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ وَ  
الْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ  
وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهِذَا جَاءَ  
مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَذْوَا الْأَمَانَةِ إِلَى  
مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرّاً أَوْ فَاجِراً فَإِنَّ رَسُولَ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِآدَاءِ  
الْخَيْطِ وَ الْمَخِيطِ صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ ائْتَمُّوا  
جَنَائِرَهُمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ أَذُوا حُقُوقَهُمْ  
فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ  
الْحَدِيثَ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ  
النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَ  
يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا آدَبُ  
جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ

بَلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ فَوَ اللَّهُ  
لَحَدَّثَنِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الرَّجُلَ كَمَا  
يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
فَيَكُونُ زَيْنَهَا آدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَقْضَاهُمْ  
لِلْحُقُوقِ وَ أَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَ صَايَاهُمْ وَ  
وَدَائِعُهُمْ تُسْأَلُ الْعَشِيرَةُ عَنْهُ فَتَقُولُ مَنْ مِثْلُ  
فُلَانٍ إِنَّهُ لَأَدَانَا لِلْأَمَانَةِ وَ أَصْدَقُنَا لِلْحَدِيثِ .

[6]سوره مبارکه مریم، آیه 39

[7]الكافي ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۷ (مُحَمَّدُ  
بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ  
عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ  
يَسْأَلُونَكَ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «عَمَّ  
يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» قَالَ ذَلِكَ إِلَيَّ  
إِنْ شِئْتُ أَخْبَرْتُهُمْ وَ إِنْ شِئْتُ لَمْ أَخْبِرْهُمْ ثُمَّ  
قَالَ لِكَيْبِي أَخْبِرْكَ بِتَفْسِيرِهَا قُلْتُ «عَمَّ  
يَتَسَاءَلُونَ» قَالَ فَقَالَ هِيَ فِي أَمِيرٍ

الْمُؤْمِنِينَ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَمَا كَانَ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ مَا لِلَّهِ عَزَّ  
وَ جَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَ لَا لِلَّهِ مِنْ نَبَأٍ  
أَعْظَمُ مِنِّي .)

[8] كشف الغمة في معرفة الأئمة ، جلد ۱

، صفحہ ۲۹۵ (وَ مِنْهُ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَنَا وَ عَلِيٌّ  
مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ  
شَتَّى.)

[9] سورہ مبارکہ اساء، آیہ 82 (وَ نُنزِّلُ

مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ  
لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا)

[10] زیارت ششم امیرالمومنین صلوات

اللہ علیہ

جلسہ سوم ہمین  
موضوع چراشیعہ شدید؟

صوت جلسہ دوم  
چراشیعہ شدید؟

منبر کوتاہ